

نغمه‌های دل

گزیده‌هایی از اشعار

محمد کریم کریمی

۱۳۸۵

کریمی، محمد کریم ۱۳۲۹ -

نغمه‌های دل: گزیده‌هایی از اشعار محمد کریم کریمی. - مشهد: نشر الف، ۱۳۸۴.

۱۳۲ ص.

۱۰۰۰۰ ریال

۹۶۴-۶۶۸۴-۹۶-۳

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴ الف. عنوان.

۸۵۱/۶۲

PIR ۸۱۸۴ / ۹۶۵۲۵ ۷

۸۴-۴۵۰۷۵ م

کتابخانه ملی ایران



نشر الف

مشهد مقدس - تلفن: ۰۹۱۵۱۵۷۹۳۰ - ۰۵۱۱-۸۵۹۸۲۸۸ - صندوق پستی: ۱۳۳۸-۹۱۳۷۵

نغمه‌های دل

سروده: محمد کریم کریمی

تعداد صفحات: ۱۳۲ صفحه رقی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

امور فنی و چاپ: دقت مشهد (۰۵۱۱-۳۳۱۹۵۶۰)

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۵

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

حروف نگار و صفحه‌پرداز: خدمات نشر علاقه‌مند (۰۵۱۱-۸۳۲۶۹۳۲)

شابک: ۹۶-۳-۶۶۸۴-۹۶۴

ISBN: 964-6634-96-3

مرکز فروش و پخش: مشهد مقدس - امام خمینی ۱۶ - جنب هتل شهید کاوه - نشر الف. تلفن ۲۳۳۰۱۷۲

فهرست اشعار

- خلاصه‌ای از زندگانی نگارنده کتاب ۹
- به قلم خودشان ۹
- هوای کریلا ۱۷
- شعر نماز ۱۸
- پند مرغ سخن گو ۱۹
- غزلی عرفانی ۲۱
- به یاد عید سعید غدیر خم ۲۳
- چهار پاره‌ای عبرت آمیز ۲۴
- دیدنیهای شهرستان مانه و سملقان ۲۵
- شهادت امام هاشم ضامن آهو ۲۷
- افطاریه ماه رمضان ۲۸
- میخانه عرفان عبادت خانه است ۲۹
- در وصف امام زمان (عج) ۳۰
- جُرعه به جُرعه ۳۱
- در آستان جانان میلاد امام رضا (ع) ۳۲
- بهانه ۳۶
- حکمت ۳۷
- به یاد شهیدان ۳۷
- در بارگاه امام رضا (ع) ۳۸
- به یاد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ۳۹

۴۰	به یاد دلاوران بسیجی.....
۴۱	ای بسیجی.....
۴۲	در انتظار فرج مولا امام زمان (عج).....
۴۳	حج فقراء.....
۴۴	یا حسین (ع).....
۴۵	یا علی (ع).....
۴۶	همدلان خسته.....
۴۷	مدح امام رضا (ع).....
۴۸	نواای قرآن.....
۴۹	در مورد انتظار مهدی موعود (عج).....
۵۰	در فراق یار.....
۵۱	استقبال از اشعار خواجه شیراز.....
۵۲	چند دو بیتی عاشقانه.....
۵۲	پاسخ شعر لسان الغیب خواجه حافظ شیرازی.....
۵۳	عشق رضا (ع).....
۵۴	ساقی.....
۵۵	(یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور).....
۵۶	مدد خواهی از مولا علی (ع).....
۵۷	به یاد حضرت قائم (عج).....
۵۸	به مناسبت ولادت علی بن موسی الرضا.....
۶۰	اوراق زرین.....
۶۱	من آن عشقم.....
۶۱	یار مددکار.....
۶۲	شاعران بی بضاعت.....
۶۴	بسیج مستضعفین.....
۶۷	شهیدان.....

۶۸	شنیدستم یکی در روشنائی.....
۶۹	مدرک گرایی.....
۷۰	ولادت با سعادت امام زمان(ع).....
۷۲	کشاورزان زحمت کش.....
۷۲	غم هجران.....
۷۳	دایره حکمت.....
۷۵	بی وفائی دنیا.....
۷۷	اشعار کُرمانجی.....
۷۸	نغمه‌های دل.....
۷۹	امام علی(ع).....
۸۰	شهادت حضرت فاطمه (س).....
۸۲	در مورد شهادت حضرت علی (ع).....
۸۴	یا علی مدد.....
۸۵	یا علی جان ای سَر یزدان.....
۸۵	پند از درخت چنار کهنسال.....
۸۷	طبیعت از دست رفته.....
۸۸	طالب آبروی دو جهان.....
۹۰	اشاره‌ای در مورد نفس عمّاره.....
۹۱	دایره حکمت.....
۹۲	خطاپوشه رحیم.....
۹۳	یوسف زهرا (س).....
۹۴	ساقی بده پیمانه.....
۹۶	یا علی.....
۹۸	یا ابا صالح.....
۱۰۱	به یاد عام الفیل.....
۱۰۲	یا ضامن آهو.....

- ۱۰۴ به یاد فلسطین عزیز
 ۱۰۵ ساقیا جامک و من ده
 ۱۰۶ استقبالی تضمین مانند از شعر خواجه شیراز به گونه چهارپاره
 ۱۰۷ بویه دل خانه غم
 ۱۰۹ بیقرارم ژ دست دل
 ۱۱۰ عبرت در مزار
 ۱۱۱ سر شوریده
 ۱۱۲ زمین خون پرور
 ۱۱۳ وصال
 ۱۱۴ حکایت کم ژ دست دل
 ۱۱۵ صحرای کروهه
 ۱۱۷ مهدی (عج) به و ظهور که
 ۱۱۸ فدای دین ای شهید
 ۱۱۸ تاینه کینگا انتظار
 ۱۲۰ دواي کله دردمندان
 ۱۲۱ آو حیات
 ۱۲۲ یا امام زمان (عج)
 ۱۲۳ شاعر ایرو وستیایه
 ۱۲۴ سیل چیان
 ۱۲۵ به یاد حضرت عباس (ع)
 ۱۲۷ گفتگوی امام حسین (ع) با سپاه یزید در عصر عاشورا
 ۱۲۹ غزلی به نام اسماعیل دل
 ۱۳۰ غزلی به نام اسماعیل دل
 ۱۳۲ غدیر خم

خلاصه‌ای از زندگانی نگارنده کتاب به قلم خودشان

چون در این خلاصه مقدور نیست تمام وقایع زندگی خویش را بازگویم با چند سخن دردناک که در طول زندگی باعث تألم و تأسف اینجانب شده گفتارم را بسنده می‌کنم.

نامم محمدکریم کریمی فرزند قاسمعلی در سال ۱۳۲۹ در روستای نجف واقع در سملقان غرب شهرستان آشنه دیده به جهان گشودم. چون پدرم کشاورز بود تحصیلات ابتدایی خودم را در شهرستان آشنه که در آن زمان روستایی بیش نبود به پایان رسانیدم. بر این اندیشه بودم که ادامه تحصیل دهم پدرم چون در کار کشاورزی کمک لازم داشت، مرا از درس خواندن محروم ساخت مجبور شدم همراه وی به کشاورزی بپردازم چندی نگذشت که برای پایبند نمودنم در آن کار برایم زن

گرفت من که جوان بودم درک عاقبت کار نمی نمودم پذیرفتم، دوران حکومت محمدرضا شاهی سخن ها و تلاشها بر گونه ای دیگر بود کارکن و کارشکن شناخته نمی شد، تازه جوان بودم و حال و هوایم بر گونه ای بود پدرم برای تسریع در کارها برایم یک وانت تویوتا خرید این کار باعث گردید در کارهای خدمت رسانی به ده بیشتر فعال شوم شرکت تعاونی و عضو کوچکی از شورای انجمن ده بودم مدام بر این اندیشه بودم باید حق به دست حق دار برسد. چون افراد فرصت طلب مدام در اندیشه مال مردم خواری بودند و من مدافع محرومین. چه میشد کرد؟ با رژیم ستم شاهی و ایادی آن باید مبارزه نمود.

این گذشت تا روزی که بر اثر حادثه رانندگی اتومبیلیم واژگون شد قطع نخاع شده از هر دو پا بکلی معلول شدم. از همان جا زندگانی دیگر برایم مشکل شد آنهایی که دوروبرم پرسه می زدند همه به تدریج مرا تنها گذاشتند حتی پدر و مادر و برادرم نیز با من کم لطف شدند و مرا تنها گذاشتند، من که در این زمان دارای همسری مهربان و دلسوز بودم و از ایشان دارای سه فرزند دختر بودم نمی دانستم چه کار نمایم، نه شغلی که درآمدی داشته باشم نه

راه نجاتی، می‌رفتم که دست به نابودی خویش بزنم که از جانب خداوند منان کرامتی شد مولا امام زمان (عج) یاری فرمودند شخصی بنام حاج یحیی اکبری قطعه‌ای زمین در آشفانه به قیمت کم به من دادند پدرم نیز مقداری پول تهیه دیده توسط یکی از آشنایان مرا برای معالجه به تهران فرستاد هرچند معالجه صورت نپذیرفت اما با دست اندرکاران خیر که تازه انقلاب شکوهمند اسلامی به ثمر رسیده بود مرا در مجموعه کار یادگیری معلولین پذیرفتند در رشته تعمیرات رادیو و تلویزیون مدرکی اخذ نمودم مجدداً به شهرستان آشفانه برگشتم براین اندیشه افتادم کار فنی هنری خویش را دنبال نمایم.

خدا گر ببندد ز حکمت دری ز رحمت گشاید در دیگری مشکلاتی که در زمان بیکاری و دوره تحت نظر پزشکی بودن در مدت سه سال و اندی چه بر من و فرزندانم گذشت خود داستانی جداگانه دارد، هر چند زندگانی با من سر جنگ داشت اما مهربانی همسر فداکارم که لحظه‌ای از من غافل نبوده تمام تلخی‌های زندگی را در دهانم مبدل به شهد و عسل نمود و با پشتکار و همت خود نگذاشت افسرده بمانم هرچند برای ساخت بنای ساختمان با شهرداری مشکلات داشتیم اما با کمک پدر و همسر

مهربانم توانستیم آلونکی در زمین اهدایی آقای اکبری به اینجانب برپا نماییم و من به عنوان تعمیرکار رادیو و تلویزیون در آن مشغول به کار شوم و فرزندانم را که همان سه دختر بودند به تحصیل وادارم و پس از تحصیل و گرفتن مدرک هر سه به خانه بخت رهسپار شدند که هر کدام برای خودشان دارای زندگی آبرومندانه‌ای هستند.

باید این را اضافه نمایم با وجود تمام مشکلات همیشه بر این اندیشه بوده‌ام که روزی صدای خویش را به گوش مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی برسانم بگویم من معلول در این گوشه به دور از دید جامعه براین باورم که می‌توانم سخنی داشته باشم چگونه بودن آن برایم معلوم نبود تا آنکه خداوند تبارک و تعالی عنایتی فرمود سخن حزن انگیز اینجانب که اکنون تبدیل شعر فرمودند قلم بر دست گرفتم شروع به گفتن اشعار و زمزمه‌های اندرون نمودم هر چند این زمزمه سالها بود که ادامه داشت گاهی برای دلم در گوشه‌ای خلوت کلماتی چند بر هم می‌بافتم ولی از سال هزار و سیصد و شصت به طور جدی تصمیم گرفتم سروده‌های خویش را بر روی کاغذ منعکس سازم تا آنهایی که در خواب غفلت هستند متوجه شوند درد یک معلول محروم مانده از جامعه

چیست سخن ایشان که توان بلند شدن و نشستن را ندارد
در چه حول و حوشی دور می‌زند از افرادی چون من
نترسند ما طاعون زده نیستیم نزدیک شدن به ما باعث
هلاک شما نمی‌شود. چرا با دید منفی به ما می‌نگرید.

اینجانب تا کنون سی سال است که در همین حال افتاده
در بستر در حال خدمت و سرویس دهی و به چندین نفر
آموزش کاری داده‌ام که بعنوان کار فرما در جامعه کار
می‌کنند، بالغ بر ۵۰ شعرم با صدای خودم از رادیو و
تلویزیون خراسان برنامه کرمانجی و فارسی پخش شده
هرگز نگفتم معلول هستم از گفتن این کلمه شنونده‌ها
ناراحت شوند.

براستی برنامه رادیو کرمانجی هم که از من و حال و
روزگارم اطلاع دارند تا بحال بسیار گفته اند این سخن و
اشعار پخش شده از بیان یک شاعر معلول است که لازم
است از مسئولین این برنامه تشکر نمایم، و همچنین از
برادر تلاشگر و جانباز و نویسنده چیره دست که کتابش
به عنوان بهترین کتاب سال در ایران شناخته شد برادر
ارجمند جناب آقای دکتر عزیزی مدیرکل محترم بهزیستی
خراسان شمالی و دیگر عزیزان در سازمان بهزیستی
برادران ارجمند آقای مرآتی و از برادران صدا و سیما

بخش رادیو کرمانجی آقای احمد محبی و آقای ارسالان سبحانی هم قدردانی میکنم از اینکه لوحی از طرف این رسانه برای این حقیر ارسال نمودند بنده هم آن را درون قاب دلم جای دادم قبلا از همکاری همه عزیزانی که در چاپ و تکثیر این مجموعه به یاریم شتافتند تشکر و قدردانی می‌نمایم اما قبل از مساعدت و یاری این عزیزان بنده بعلت معلولیت جسمی در درون اجتماع و دیگر نهادها به غیر از بهزیستی بارها در محافل ادبی از من چشم پوشی نمودند که این خود به نظر اینجانب کم لطفی به یک سراینده و نویسنده می‌باشد اینها تمام درد است از دست اندر کاران می‌خواهم با اندیشه‌ای ژرف به ما خسته حالان بی دادرس بنگرند.

از این که سخن به درازا کشید عذرم را خواستارم چه می‌شود کرد عمری در گوشه حرمان ماندن این است فقط ناله شبگیر مرا خدا داند و بس که در نیمه شب هنگامیکه همه در خواب هستند با خدای خویش خلوت نموده دست به قلم می‌برم این خود یکی از خصایص ذاتی اینجانب بوده و هست که از یاد خدا غافل نبودم سعی نمودم در همان حال افتاده در بستر نمازهایم را سر وقت بخوانم . بطور یقین همین عشق به خداوند و ائمه اطهار است که با

تمام سختی‌ها توانستم بر مشکلات فائق آیم. اگر گاهی در اشعار نامی از می و ساقی و باده آمده منظور می عرفانی است من حتی رنگ شراب و می را ندیده‌ام چگونه است تا چه رسد به نوشیدن آن، عاشق ائمه اطهار و قرآن مجید هستم و بسیار آن را تلاوت می‌کنم چون در زندگی اعجاز بسیار از این کتب آسمانی و ائمه خصوصا امام زمان (عج) دیده‌ام که ناگفتنی است، فقط خوانندگان عزیز را سفارش می‌کنم به تلاوت قرآن و توسل به انبیاء و ائمه که در اصل کشتی نجات دو جهان آنها هستند، همچنین از خرافات نفرت دارم که بنام دین و مذهب در بعضی مواقع از این و آن می‌شنوم، با مطالعاتی که دارم اشعار خواجه حافظ شیرازی در من روحی تازه می‌دمد دوست دارم از راز آفرینش هر چند مختصر باشد چیزهایی بدانم بر این فکر و اندیشه گاهی برگ درختی را دقایقی چند در دست خود نگه می‌دارم با دقت تمام آن را می‌نگرم، همچنین در گرفتن دوست دقت بسیار دارم تا بلکه با ادب پروری آشنا شوم سخنانی از ایشان بیاموزم بر این اصل هر جا سخنی نیک در کتابی یا دفتری می‌بینم یادداشت می‌نمایم. از افراد دورنگ مال پرست بسیار متنفرم، از ادوات موسیقی خصوصا صدای دوتاری که توسط اساتید نواخته شود

لذت می‌برم، سرودهایم را بیشتر در دل شبها در خلوت
تنهایی الهام گرفته از لحظات روحانی نزدیک به طلوع
سپیدد دمان سروده‌ام.

این مجموعه قسمتی از دیوان اینجانب است که در اثر
کمبود وضع مالی به چاپ می‌رسد انشاء الله در آینده اگر
وضعیت مالی به من اجازه داد در خدمت اهل قلم و اندیشه
خواهم بود.

برادر کوچک شما محمد کریم کریمی
ساکن آشخانه
تلفن تماس: ۴۲۲۲۳۷۵